



## گزیده نامه‌های شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیت الله العظمی مرعشی

علی رفیعی علامرودشتی

کتاب‌ها و رساله‌های مختلف به چاپ رسیده و به عنوان اسناد زنده‌ای از زندگی فردی و اجتماعی اجداد و نیاکان ما در اختیار نسل حاضر و آینده قرار گرفته است که به عنوان نمونه در تاریخ اسلام کتاب‌های مکاتیب الرسول، مکاتیب الائمة، مکاتیب الخلفا و بخشی از نهج البلاغة را می‌توان نام برد.

این سنت و آیین پسندیده، متأسفانه با پیدایش وسائل ارتباط جمعی امروزی، مانند: بی‌سیم، تلکس، تلفن، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های گسترده اطلاع‌رسانی و اینترنت، روز به روز کمرنگ‌تر گردیده و رونق پیش خویش را از دست داده است و می‌رود که به طور کلی از صحنه زندگی انسان‌ها خارج شود و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به نسل‌های آینده وارد شود، زیرا نامه به عنوان یک شیء مکتوب، خود سند زنده و جاودانه‌ای است که همیشه در اختیار انسان‌ها قرار دارد، در حالی که در وسائل چون بی‌سیم، فکس، رادیو، تلویزیون و مانند اینها، بیشتر مکالمات و پیام‌ها و ارتباطات شفاهی است و به زودی از بین می‌روند.

چنان که اشاره شد، نامه‌نگاری در گذشته‌های دور و حتی پیش و کم در عصر حاضر، یک وسیله اطلاع‌رسانی و مبادله اطلاعات علمی و فرهنگی به شمار آمده و بسیاری از عالمان و مورخان و مؤلفان برای کامل کردن اطلاعات خویش، با این وسیله به مبادله

### نامه‌نگاری یا مبادله اطلاعات

نامه‌نگاری و مبادله اطلاعات، به وسیله نامه، از دیرباز، یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباط جمعی میان انسان‌ها بوده است و تاریخ آن، همزاد با انسان است و به پیش از پیدایش خط و کتابت باز می‌گردد. در آن روزگار که اثری از کتابت به معنای اصطلاحی آن، وجود نداشت، انسان‌های اولیه، برای ارتباط با یکدیگر و رساندن پیام خویش به دیگران، از اشکال هندسی و نقاشی بر روی سنگ‌ها، خانه‌ها، دیوارها و غارها، استفاده می‌کرده‌اند و پیام‌های خویش را به هم می‌رسانده‌اند.

این وسیله ارتباطی بعدها با پیدایش خط و کتابت، مهم‌ترین شبکه گسترده ارتباط جمعی گردید و برای خود قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و شیوه‌های مختلفی، به وجود آورده و به انواع گوناگون: نامه‌های سیاسی، تاریخی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی تقسیم گردید و سیاستمداران، مورخان، عالمان، ادیبان، شاعران و گروه‌های مختلف اجتماعی از آن در سطحی وسیع استفاده می‌کردند.

شمار زیادی از نامه‌های گوناگون، هم اکنون به عنوان اسناد مهم ملت‌ها در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز اسناد کشورها، نگاهداری می‌شود و از آنها برای شناخت مسائل گوناگون ملت‌ها و تاریخ و فرهنگ آنان استفاده می‌شود و بسیاری از این نامه‌ها به صورت



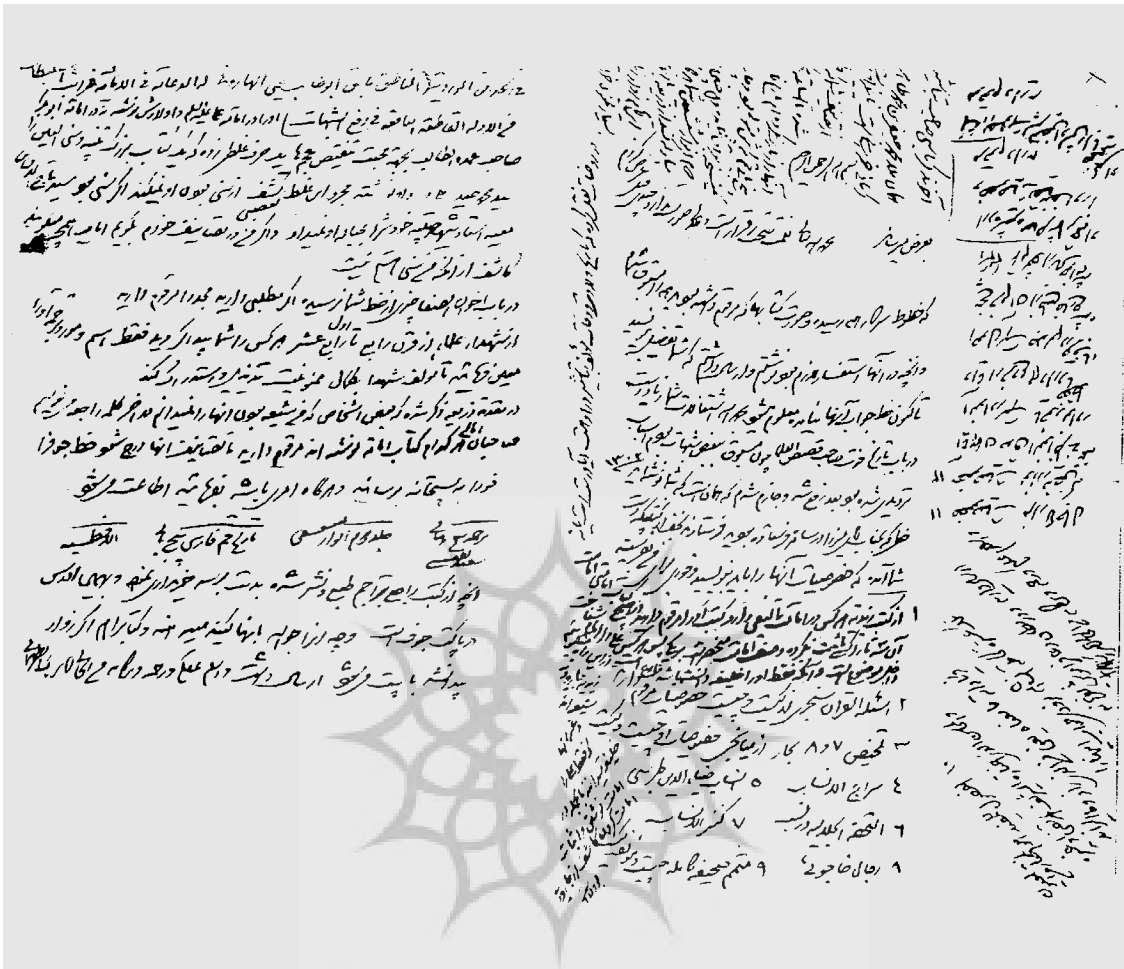
اطلاعات می‌پرداختند. زندگی این عالمان و مؤلفان مشحون از کاربرد این ابزار ارتباطی است و در میان این عالمان و مؤلفان به ویژه در عصر حاضر، می‌توان به دو عالم برجسته اشاره کرد: یکی حضرت آیت الله علامه، شیخ آقا بزرگ تهرانی است و دیگری حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی است.

آیت الله علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۱ ربیع الاول ۱۲۹۳-۱۳ ذیحجه ۱۳۸۹ ق / ۲۰ آوریل ۱۸۷۶-۲۰ فوریه ۱۹۷۰م) فقیه و کتابشناس بزرگ و رجالی عالیقدر شیعه، در تهران، دیده به جهان گشود و در زادگاه خویش مقدمات علوم را فرا گرفت و در ۱۳۱۵ ق / ۱۸۹۷م. جهت تکمیل معلومات و تحصیلات خویش، عازم نجف اشرف گردید و در آنجا دروس سطح و دوره عالی فقه و اصول را نزد اساتید و مراجع بزرگ شیعه، فرا گرفت و در ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۲م. به نجف اشرف بازگشت و کتاب خویش الذریعة را به چاپ رساند. این کتاب بعدها به مرور در نجف و تهران و از آن پس در بیروت، مکرراً انتشار یافته است.

آقا بزرگ تهرانی، آثار و تالیفات ارزنده و استوار دیگری نیز دارد که عبارتند از: طبقات اعلام الشیعة که از قرن چهارم تا چهاردهم هجری قمری، به صورت طبقه به طبقه تدوین شده است: مصفی المقال فی علم الرجال و چندین اثر دیگر که همگی چاپ و منتشر

شده‌اند. آیت الله العظمی سید شهاب الدین حسینی نجفی مرعشی (۲۰ صفر ۱۳۱۵-۷ صفر ۱۴۱۱ ق / ۲۳ ژوئیه ۱۸۹۷-۱۳ سپتامبر ۱۹۹۰م) فقیه اصولی، محدث رجالی، متکلم، نسب‌شناس معاصر است که از تاریخ ۱۳۶۵ تا ۱۴۱۱ ق / ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰م. مرجعیت تقلید شیعیان را به عهده داشت.

ایشان در نجف اشرف چشم به جهان گشود و در همانجا دروس مقدماتی، سطح و دوره عالی را تا درجه اجتهاد نزد اساتید و مراجع بزرگ وقت فرا گرفت و در ۱۳۴۲ ق / ۱۹۲۴م. به ایران مهاجرت و در شهر مقدس قم، سکونت نمود و به تدریس و تالیف پرداخت. ولی پس از رحلت آیت الله العظمی بروجردی در ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۱م. به عنوان یکی از مراجع طراز اول ایران مطرح گردید. او بیش از هفتاد سال به کار تدریس، تألیف و خدمات علمی و فرهنگی پرداخت و با همه اشتغالاتی که داشت، یکی از پرکارترین مراجع عصر حاضر در امر تألیف و تصنیف است؛ به صورتی که دارای بیش از ۱۴۷ اثر، رساله و کتاب است. اما مهمترین کار و جلوه علمی وی در انساب و کتابشناسی است و به همین دلیل کتابخانه‌های پی افکند که هم اکنون از کتابخانه‌های بزرگ و کم‌نظیر ایران و جهان اسلام است. ایشان در کنار فعالیت‌های تدریس و تألیف و امر مرجعیت و



است.  
 در بیشتر نامه‌ها چنان که مشاهده خواهید کرد، مطالبی به این شرح مطرح شده است:

۱. فهرست و لیست کتاب‌هایی که آیت الله مرعشی، به تدریج برای درج در الذریعة، برای شیخ آقا بزرگ فرستاده است.
۲. فهرست و اسامی نام و نسب مؤلفان این آثار، برای درج در الذریعة و طبقات اعلام الشیعة.
۳. پاسخ به سؤالات فراوان شیخ آقا بزرگ، راجع به نام صحیح کتاب‌ها، مؤلفان، سال تولد و مرگ، صحت انتساب کتاب به شخصی یا اشخاص.
۴. مسئله شیعی بودن مؤلفان و اینکه چه کسانی را می‌توان شیعه نامید و چه کسانی خارج از مذهب شیعه هستند و معیار شیعی بودن مؤلفان یا غیر شیعی بودن آنان؛ که اتفاقاً در این بخش شیخ آقا بزرگ به طور دقیق در یکی از نامه‌ها اشاره کرده و راه را برای ورود و خروج بسیاری از مؤلفان در راه یافتن آثارشان به الذریعة، نشان داده است.

در نامه‌ای هم شیخ آقا بزرگ به سابقه دوستی و رفاقت خویش

تأسیس کتابخانه و گردآوری نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی، با مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در امر تدریس و تألیف کتاب ارزشمند الذریعة و همچنین طبقات اعلام الشیعة همکاری نزدیکی داشت و بسیار به وی کمک کرد و به شهادت نامه‌های خود آقا بزرگ به ایشان که باقی مانده و برخی از آنها را در این مقاله مشاهده خواهید کرد، آیت الله مرعشی از آغاز تألیف الذریعة و حتی پیش از آن بارها و بارها، لیست‌های فراوانی از کتب و صنایع و تألیفات و آثار علمای شیعه را به شیخ آقا بزرگ معرفی کرده و اسامی مؤلفان و حتی شرح حال آنان و آثارشان را برای وی فرستاده است.

در همین رابطه، نامه‌های فراوانی میان آنها رد و بدل شده که متأسفانه نامه‌ها و جواب‌هایی که آیت الله مرعشی نجفی برای آیت الله آقا بزرگ تهرانی فرستاده، اکنون در اختیار نیست، اما از جواب‌ها و نامه‌هایی که از آیت الله آقا بزرگ تهرانی در دست است و برای آیت الله مرعشی نجفی نوشته، به خوبی می‌توان میزان ارتباط، همبستگی، صمیمیت و همکاری آنان را به دست آورد. این ارتباط و دوستی و مکاتبه بیش از چهل سال و تا هنگام رحلت شیخ آقا بزرگ ادامه داشت که در یکی از این نامه‌ها به آن اشاره شده

با آیت الله مرعشی اشاره نموده است و از اینکه برخی از مغرضان و مفسدان و حاسدان که چشم دیدن این دوستی و همکاری بین ایشان و آیت الله مرعشی را نداشته‌اند و قصدشان قطع این ارتباط بوده، اظهار تأسف کرده است.

برخی از این نامه‌ها که در این مقال می‌آوریم، به این شرح است:

#### نامه شماره ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به شرف عرض می‌رساند، خط دیگر از حضرت عالی زیارت شد، توسط آقای اصطهباناتی با صورت فهرس جمله‌ای از کتب؛ بسیار ممنونم. در باب نسخه‌ها مفهوم شد، در اول امر، سرکار آقای حاج سید صدر الدین نوشته بودند، ده نسخه من شرکت می‌کنم، لذا حقیر نوشته، ده نسخه خدمت ایشان بفرستند و آنها اشتباهاً خدمت سرکار فرستاده بودند، به هر حال البته قبض سرکار را پس می‌فرستند و وجه آنها که فروخته شده، باید در همان طهران، سرای امیر، تجارتخانه حاج حبیب‌الله و پسران برسد. تنقیدات بر «ذریعه» بعضی وارد است و انشاءالله تدارک خواهد شد و اسماء کتب که مرقوم داشته‌اید، کمال تشکر دارم.

در ریاض در ذیل ترجمه عبدالله بن حسین بابا، مؤلفین، رساله‌های متن و تنبکه را ذکر می‌کند. یکی از مؤلفین اسمش محمد مقیم بن محمد حسین است و شما نوشته‌اید: محمد حسین بن مقیم، نمی‌دانم کدام در نسخه موجود پیش شما است و نوشته‌اید یکی سرقت کرده از دیگری و من مراد عبارت را مردد شدم، شما مطالعه کنید چه می‌فهمید از کلام او سارق کیست؟ و آنچه به اسم خود نموده، فارسی بوده یا ترجمه به عربی بوده؟ شاید نسخه ریاض پیش من در اینجا غلط دارد، به هر حال آنچه از کلام او به دست شما آمد، به حقیر مرقوم دارید.

دیگر آنکه تلخیص ذریعه الراغب به خط سید مبین است و مؤلف اوست یا شیخ ابوالقاسم و اگر ملخص شیخ ابوالقاسم است، پس مؤلف ذریعه کیست؟ و اول و آخر و تاریخی راجع به نسخه ذریعه دست می‌آید یا نه، بیان فرمایید. البته این سوالات تمام مهم است و حقیر دستم کند است، در نوشتن بطئی هستیم؛ به علاوه مجال دو مرتبه نوشتن ندارم به علاوه آنکه همه اینها یاد می‌رود که دو مرتبه سؤال کنم. انشاءالله تعالی شما اهماال در جواب اینها نکنید.

کتاب الفقه علم الهدی، هم خصوصیات فقه او که استدلالی است یا مجرد فتوا، چه مقدار از کتب فقه است؟ علم الهدی که مؤلف اوست، از جای دیگری احوال او به دست می‌آید یا نه؟ صاحب معالم جد او، آیا پسر شهید است یا دیگری است؟ اجمالاً این مؤلف و کتابش با اجازه او تاکنون شنیده نشده، هر قدر خصوصیات آن را معین نمایید، بسیار خوب است و نیز خصوصیات مجاز او.

اما خصوصیات کشف الاستار آقای آقا سید احمد [خوانساری]، از خود ایشان با سایر کتب، با ترجمه اجمالی مستدعیم. سلام احقر ابلاغ دارید. و السلام علیکم و رحمته و برکاته.

من الجانی، آقا بزرگ الطهرانی

#### نامه شماره ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند، بحمدالله تعالی، نعمت صحت برقرار است و ملالی صورت ندارد. چندی قبل عرض کردم که خطوط سرکار، همه رسیده و صورت کتابها که مرقوم داشته بودید، همه مسبوق شدم و آنچه در آنها استفسار لازم بود نوشتم و ارسال داشتیم که شما تفصیل بنویسید، تاکنون خط جواب آنها نیامده، معلوم می‌شود، بحمدالله، اشتغالات شما زیاد است.

در باب تاریخ فوت صاحب قصص العلماء، چون مسبوق به بعض شبهات بودم، اسباب تردید من شده بود، بعد رفع شده و جازم شدم که همان است که شما نوشته‌اید (سنه ۱۳۰۲)

خطی که به جناب آقای میرزا در سامره فرستاده بودید، فرستادند نجف. از کتبی که دست شما آمده که خصوصیات آنها را باید بنویسید و فوری برای من بفرستید:

۱. از کتب زیدیه، هرکس در امامت تألیفی دارد، کتب او را مرقوم دارید. در هیچ کتاب امامتی، امامت آن سه تارا، کس ثابت نکرده، وصف امامت، منحصر است بر یکی، پس هر کس علی را امام شناخت، داخل موضوع است و آن که فقط او را خلیفه دانسته باشد، خارج است. از این راه می‌گوییم، زیدیه جارودیه، شعبه‌اند و غیر آنها که فقط علی را خلیفه می‌دانند، بالجمله در امامت نوشتن و اثبات امامت کردن، کاشف از جارودیه بودن است.

۲. اسئلة القرآن سنجرى، از کیست و چیست؟ خصوصیات مرقوم دارید.

۳. تلخیص ۷ و ۸ بحار، از میانجی، خصوصیات او چیست و کیست؟

۴. سراج الانساب

۵. انساب ضیاء الدین طبرسی.

۶. التحفة الجلالیه در نسب.

۷. کنز الانساب.

۸. رجال خاجوئی.

۹. متمم صحیفه کامله، چیست و مؤلف کیست؟

۱۰. الفصول للمفید، هو المختار من العیون و المحاسن، الذی اختاره الشریف المرتضی او غیره و زیاداته، مامعنا یعنی من الذی زاد؟ و ما الزاید؟ تلک عشرة کامله؛ انشاءالله به زودی جواب اینها را ارسال دارید و در رمضان دعا، فراموش نفرمایید. و السلام علیکم و رحمته و برکاته. من الجانی آقا بزرگ الطهرانی.

[پس از خاتمه نامه، مرحوم آقا بزرگ، دو سؤال دیگر و مطالبی به نامه اضافه کرده به این شرح است:]

۱۱. خصوصیات مزار آقا جمال.

۱۳. خصوصیات نوادر فیض که آیا همان حدق النواظر فی تتمه النوادر است یا خود نوادر؟ و آیا از فروع مهم دارد یا فقط اصول است؟ جلد سوم در حرف «باء» پنج فرم آن از طبع خارج شده، انشاءالله تعالی، تمام شود ارسال خواهد شد.

اردشیره [اردشیر خاضع] معاصر شما، ترجمه او و خصوصیات

تصانیف او را مرقوم دارید. انشاءالصلوات پسر فیض، اولش را با ضمیمه‌های او مرقوم دارید.

آخوند کرباسی، صاحب تباشیر، همان ملامحمد جعفر بن محمد طاهر کرمانی خراسانی است یاغیر اوست؟ در روضات نقل کرده که تاریخ ولادت و وفات مؤلف تباشیر در او هست، آیا درست است یا نه؟ از تصانیف شما که طبع شده، تا الساعه، هیچ یک از آنها را زیارت نکرده‌ام. تاریخ فارسی پنج بابی قم که پیش متولی بوده و چاپ شده، یک نسخه، به عراق نیامده و همچنین کتاب دوم انوار مشعشعین شما هر گاه که مبادله کنید، از ذریعه با آنها، این ایام زوار زیارت می‌آیند. بسیار ممنون خواهیم شد.

فی الحدائق الوردیه: «الناطق بالحق ابوطالب یحیی الہارونی، له الدعا فی الامامة فیہ غرائب المستنبطات فی الادلة القاطعة النافعة فی رفع الشبهات» او را در امامت علی علیه‌السلام و اولادش نوشته، نه در امامت ابوبکر. صاحب عمدة الطالب به جهت محبت تنفیص عجم‌ها، یک حرف غلطی زده که یک کتاب بزرگ تنبیه و سن‌العین، را سید محمد حیدر عاملی در ردّ او نوشته، مجرد این غلط تعصبی، کشف از سنی بودن او نمی‌کند، اگر سنی بوده، سید تاج‌الدین بن معیبه، استاد شهید، صبیبة خودش را به حباله او نمی‌داد و اگر من در تصانیف خودم، بگویم امامیه، هم چه می‌گوید، کاشف از آنکه من سنی هستم نیست.

در باب اخوان الصفا، چیزی از خط شما نرسیده، اگر مطلبی دارید، مجدداً مرقوم دارید.

از شهدای علماء، از قرن رابع تا اول رابع عشر، هر کسی را شما پیدا کردید، فقط اسم و مورد ترجمه او را معین فرمایید، تا مؤلف شهدا [الفضیله] به کمال ممنونیت تذیل و استدرک کند.

در مقدمه ذریعه ذکر شده که بعضی اشخاص که من شیعه بودن آنها را نمی‌دانم، در آخر کلمه «راجع» می‌نویسم. صاحبان امالی هر کدام کتاب امامه نوشته‌اند، مرقوم دارید تا تصانیف آنها درج شود. خط جوف راه، فردا به پستخانه برسانید و هرگاه امری باشد، بفرمایید اطاعت می‌شود.

ترجمه شیخ بهایی، جلد دوم انوار مشعشعین، تاریخ قم فارسی پنج بابی، الاقطسیه، سعید نفیسی، آنچه از کتاب راجع به تراجم طبع و نشر شده، به دست رسید، خریداری نموده و به همین آدرس [که] در پاکت جوف است، وجه آن را حواله به آنها کنید، می‌دهند و کتاب را هم اگر زوار پیدا نشده، با پست می‌شود ارسال داشت. و السلام علیکم و رحمة و برکاته.

من الجانی آقا بزرگ الطهرانی

نامه شماره ۳

به تاریخ ۱۰ شهر شوال سنة ۵۷ حضور محترم حضرت مستطاب سید العلماء الاعلام حجة الاسلام آقای آقا سید شهاب الدین دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

به شرف عرض می‌رساند، بحمدالله نعمت صحت برقرار است، ماللی صورت ندارد؛ خط اخیر سرکار مورخه ۷ شهر صیام با فهرست

بیشتر از دویست کتاب، همه رسید، بسیار ممنون و متشکر هستم، يوم وصول خط به نجف، حقیر به مسجد کوفه رفته بودم، خط را آوردند آن جا، باز کردم و تماماً مطالعه کردم، لکن چون اسباب کار، همراه نداشتم چیزی از آنها را به جایی نقل نکردم، بعد که آمد نجف، تمام ۲۵ صفحه موجود بود، لکن آن ورقه که در او جواب سؤالات من بود، در میان آنها نیست، نمی‌دانم کجا افتاده، به هر حال مطالب آنها را باید دومرتبه، مرقوم دارید، من فراموش کردم، یعنی حفظم کم است، همین قدر یادم هست که مؤلف اخوان الصفا را نوشتید یک شخص اسماعیلی است و این مطلب بزرگ باید عن تفصیل و مستند و مأخذ مرقوم دارید، تا من در عقیده شما شریک شوم و نیز همین قدر یادم هست: متمم صحیفه شاگرد شیخ بهائی بوده، خصوصیات آن و کیفیت تتمیم را مرقوم دارید، آیا صحیفه دیگری مثلاً سادسه نوشته و یا نسخه‌ای از پیش از عصر ابن‌ادریس به او رسیده که دعاهای او زیادتیر بوده؟ غرض معنا و شرح تتمیم را باید خوب نوشت که آنها که ندیده‌اند بفهمند، در کتاب بحث از چه چیز شده؟ آیا مواد ملحقات صحیفه است که در بعضی نسخ قدیمه بوده و آن را در او اعرش ملحق نموده‌اند و سید جزائری ملحقات را علاحده شرح کرده یا چیز دیگر است؟

غرض، جواب همه اینها را زودتر ارسال دارید، خصوص آنها که راجع به لفظ تاریخ است، مثل تاریخ سید ظهیر الدین، آنها را زودتر مرقوم دارید که نزدیک به طبع شده، وقتش می‌گذرد.

۱. منهج الرشاد حاج میرزا محمد حسین شیخ، یک جلد در عبارات است و شما نوشته‌اید دوازده جلد، آیا میسور است فهرست آن را بطلیبید تا معلوم شود یا نه؟

۲. مقالات شمسیه، مال حاج میرزا محمد پسر ایشان، در چه موضوع است، خصوصیات مرقوم دارید و لعل المراد، هو المقالات العلمیه، التي جمعها السید محمد عن والده المذكور بعد وفاته الموجود عند ابنه السید محمد حسین المعاصر الیوم فی تبریز کما کتبه الی قبل سنین.

بالجملة آنچه از کتب خود سرکار دارید یا آنکه بالمشاهده دیده‌اید، خصوصیات کامله را مرقوم دارید، تا فایده برای خواننده‌ها داشته باشد و اگر کسی آنرا نقل کرده برای شما، یا در کتاب یا در اجازه یا در خط مخصوص به هر کیفیت به شما رسیده، همان قسم مرقوم دارید که من به همان قسم، نسبت به شما بدهم. زیاده بقای ایام افاضات و افادات بوده باشد. و السلام علیکم و رحمته و برکاته

الجانی آقا بزرگ

تعداد سیزده سؤال در یک صفحه و چهار سؤال دیگر در صفحه‌ای دیگر از شیخ آقا بزرگ موجود است که معلوم نیست با کدام نامه برای آیت الله العظمی مرعشی فرستاده است ولی از مضمون سؤال چهارم از سؤال‌های چهارگانه معلوم می‌شود که این سؤالات باید همراه همین نامه نوشته و فرستاده شده باشد و آن سؤالات به این شرح است:

۱. تاریخ اجازه آقا میرزا جمال الدین محمد بن آقا محمد جعفر کرمانی را برای شما موسوم به «بیان الاسناد» مرقوم دارید با شیخ



ترجمة، فان دهخوارقانی، الذی هو استاد ثریا، کان تلميذ العلامة الانصارى و له رثائه الموجود وجده المترجم لا يكون وفاته ۱۰۹۵ [ق] كما كتبتم و لعله وقع اشتباه في التاريخ.

۶. تاريخ گیلان و دیلمان، للسید ظهير الدين المطبوع في رشت، هل هو عين تاريخ طبرستان له، الذی نقل عنه التدوين او غيره و قال في التدوين: «ان فيه تاريخ طبرستان و رويان و مازندان و شرح احوال السيادة المرعشيه الى سنة ۸۸۱ [ق]» فييتوا الاتحاد او التعدد؟

۷. رجال ميرزا محمد النائني، يحتاج الى زيادة شرح بخصوصياته و هل الاجازة له بخط السيد حجة الاسلام ام لا؟ و اوصافه المذكورة في الاجازة و كونها على ظهر الرجال، يقتضى ان يكون الفراغ من الرجال قبل وفات حجة الاسلام مع انه ذكرتم ان فراغه سنة ۱۲۶۵

راوية او و اسم پدرش را در فهرست سپهسالار، غلامرضا نوشته، صحيح کدام است؟

۲. و آيا ميرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی، مؤلف تحفة المهديه او علائم الظهور و کتاب اصول العقاید را تفصيلاً می شناسيد و تاريخ او را می دانيد، مرقوم داريد.

۳. تذليل گيتي گشای طبع في ليدن، بعنوان تاريخ الزنديه ۱۸۸۸ م. و اسم مؤلفه ميرزا علي رضا بن ميرزا عبدالکريم و في ماکتبتم بخطکم عبدالکريم بن علي رضا، فايهما الصحيح؟

۴. تفسير نور التوفيق، جمله اولش تا کجای قرآن است؟ تاريخ دارد يا نه؟

۵. المولى يوسف المترجم في رياض الجنة اکتبوا لي مختصر

[ق] ثم ان شعره و تخلصه بالفائض هل رأيتم في ديوان له او في مجموعة او في احدى التذکرات. فالرجاء ان تكتبوا جميع السؤالات على الفرصة لا بالاستعجال المقوت لكثير من المهمات.

۸. کتاب عرفات تقی الدین، فارسی است یا عربی؟ فیه تراجمه شعراء عصره فقط لم یعم غیرهم؟ و ثمانین ألف بیت التي بین دفتی الکتاب، کلها تراجم او اشعار و عند من یوجد؟ و للمؤلف ترجمة فی کتاب ام لا؟

۹. میرزا محمد تقی، بقیة نسبش را به میرزا محمد و قدری از ترجمه اش را مرقوم دارید. بین او و میرزا محمد اخباری، چند پشت هست؟ و سیادت آن ها چه نحو است؟ اجازه او به شما کی بوده؟ هست یا فوت شده؟

۱۰. از باب آنکه شما تصدیق کنید تعجیل در نوشتن مقولات موجب خطاست، نمونه ای عرض می شود: شما از کتاب هایی که نوشته اید در خط اخیر، نمره (۱۴۶) «حردر» حواش علی انوار الربیع للشیخ محمد صالح بن میرزا فضل الله متولد سنه ۱۲۷۹، معلوم می شد، در اجازه ای که برای شما نوشته اند تصانیف خود را نوشته اند و ولادت هم را نوشته اند و شما از خطشان نقل نموده اید، اما ولادت که ۱۲۹۷ بوده، شما تعجیل کرده اید، هفت را پیش از نه نوشتید و نوبیة العجم؛ باری بهار قصیدی ابن التعاویذی و حر و در المذکوران فی ترجمة صلاح الدین یوسف فی ابن خلکان و شما از تعجیل نمره را پیش از حر و در گذاشتید و او اسم کتاب شده و حال آن که حواشش انوار الربیع، اسم کتاب بوده، حقیر چون فهرست تصانیف ایشان را سابقاً دیده بودم، ملفت شدم.

۱۱. الحیوة الطیبیة فی العقائد خصوصیات آن را که پیش شما موجود است تفصیلاً مرقوم دارید .

۱۲. تاریخ ولادت مرحوم آقای والد و ولادت خود شما را مرقوم دارید ولو تقریباً هر دو لازم است.

۱۳. تاریخ فوت حاج میرزا محمد تقی قاضی، محشی قوانین، تلمیذ شیخ انصاری را بعضی نقل کرده اند، بعد از فوت علامه انصاری به قلیل در مراجعت از حج در راه بابل بوده و جنازه اش حمل نجف شده. اگر راهی دارید تحقیق این معنا بفرمایید که از شبهه درآییم، بسیار خوب است. زیاده زیادی توفیقات شمارا خواهانم.

در صفحه بعد این چهار سؤال آمده است:

۱. از جد اعلای مرحوم میرزا مجدد شیرازی که اصل خود شیراز بوده یا توابع، چیزی به دست نمی آید، حقیر از بعضی آنها هم تحقیق کرده، فایده نبردم که عرض کنم.

۲. جدیدی هر کدام معلوم شود که منحرف از اسلام شده، یعنی بابی یا دهری و منکر صانع شده باشد، البته ذکر آنها جایز نیست، لکن اگر ظاهر اسلام را حفظ می کند و میان مسلمانان اجراء شهادتین می کند و لو فاسق الجوارح و تارک اعمال باشد، او مسلمان است و احکام اسلام بر او جاری و ذکرش عیب ندارد، با دعوی تشیع، داخل موضوع ما است.

۳. از جماعت زبیده، آنها که اعتقاد به امامت امیر علیه السلام و وصایت آن حضرت دارند، شیعه هستند و ذکر باید کرد، فهمیدن آنکه

این شخص اعتقاد به امامت دارد یا نه به بعضی قرائن از الفاظ خودش و یا قول دیگران در حقیقت، باید دست آورد.

۴. از شهدای علمای اثناعشریه، از قرن رابع الی آخر قرن سیزدهم که قضیة شهادت آنها در یک کتابی دیده شده باشد، مرقوم دارید، اسم آن کتاب و محل وجود آن را تا فحص شود و اطمینان حاصل شود، نه مجرد آنکه بگویند، حاج میرزا حسین خلیلی را در تهران کسی آمده به توسط بعضی خاص، او را مسموم کرد، یا آنکه آخوند ملا کاظم را مشروطه بحث کردند که مسموم شد، هکذا، یا آنکه در ترجمة کسی نوشته شده باشد، فلان الشهید، زیرا که چه بسا تصحیف شده، باید الشهیر بنویسد، الشهید نوشته و امثال ذلك.

غرض آنکه حال که شما زحمت می کشید، قسمی باشد که هدر نرود انشاء الله تعالی.

نسخة صبح گلشن، اگر اینجا پیدا شود تحقیق حال این یک نفر که نوشته اید، خواهد شد و اما حکیم عبدالله تبریزی طیبی، از موضوع علماء خارج و در سلک اطباء معروف به طب و شغل و کار او بوده، نمی شود به مجرد علمیت او در صنف شهید اول و ثانی و اضرابهم داخل شود. بعد از چند قرن طایفه او تا ایوم حکیم اف معروف اند نه عالم اف ملاف.

نامه شماره ۴، بتاريخ ۴۶ السنه ۷۰

حضور محترم حضرت مستطاب سید العلماء الاعلام حجة الاسلام آقای آقا سید شهاب الدین دام ظلّه  
بسم الله الرحمن الرحيم

به شرف عرض می رساند، آنکه بحمدالله تعالی، نعمت صحت برقرار است وظایف دعا گوئی در تحت قبة حضرت مولی الموالی و نیابت زیارت اشتغال دارم. دست خط مبارک که در جوف کتاب مناهل الضرب گذاشته بودیم، عز وصول یافت، بسیار تشکر می کنم. نمی دانم از این کتاب فایده دست آید یا نه؟ و آیا مطالب آن موافق نظریات شما هست یا نه؟ خوب بود آن را نسخه کرده باشید که به درد اشخاص دیگر هم بخورد. در این فهرست که در همین پاکت جوف کتاب مناهل بود، نوشته اید: شرح مشیخة تهذیب تألیف سید عبدالله بن الحاج السید محمد رحیم بن مرتضی بن میر محمد اشرف. صاحب فضائل السادات و نسخه به خط مؤلف مذکور در پیش حفید او السید محمد حسین نزلی سه ده اصفهان می باشد و حقیر در سنه ۶۹ از جلد اول خلدبرین ص ۵۱ نقل کرده ام که مؤلف خلد گفته که شرح مشخصه تهذیب، تهذیب، تألیف سید محمد اشرف صاحب فضائل السادات و نسخه به خط خود مؤلف، در نزد من موجود است، شما چون به اصفهان نزدیک می باشید، از حاج شیخ احمد بیان الواعظین، مؤلف خلد برین، تحقیق نمایید خصوصیات نسخه او را تا معلوم شود اینها دو شرح مشیخه هستند یا آنکه اشتباهی در یکی از این دو نسبت واقع شده و السلام علیکم و رحمة الله من الاحقر آقا بزرگ الطهرانی

سپس در حاشیة این نامه، چنین آمده است:

بحمدالله تعالی، خط شما را در دو موضع از این کتاب زیارت کردم که در هر دو موضع از سادات اخوی انتصار فرموده و ثبوت نسبت ایشان و ابطال کلام مؤلف را نوشته اید که در بطون لاقحه، هر

کس نسخه را ببیند، فساد قول او را بفهمد و بعضی حواشی دیگر را که دیدم، معلوم شد، مطالب این کتاب، معتمد و در محل اطمینان شما نیست و ظاهراً حق با شماست.

بسیار معذرت می‌خواهم که اشتباهاً این چند سطر را در این ورقه نوشتم. آقای سید عبدالقادر تلغفری سلام حضور مبارک می‌رساند و استدعا نموده خط جوف را برای آیه‌الله البروجردی، نوشته، به طریقی که می‌دانید، به ایشان برسانید و از جواب ایشان اطلاع بدهید و البته بر حسب آنچه خودتان از احوال ایشان اطلاع دارید، آنچه موافق با نظراتان باشد، معمول بدارید. والسلام علیکم و رحمته و برکاته.

من الاحقر آقا بزرگ الطهرانی.

#### نامه شماره ۵

بسم‌الله الرحمن الرحيم

غرّة شهر صیام سنة ۷۷

حضور محترم مستطاب سید العلماء الاعلام، حجة الاسلام آقای سید شهاب الدین المرعشی النجفی دام ظلّه سیدنا و مولانا سلام علیکم و رحمة الله و برکاته و ایدالله ایامکم.

عرض می‌شود: قبلاً توسط آقای شیخ محمد رازی، خط ارسال شد به اقتضای وقت تبریک عید قدیم که شارع اسلام آن را با احکام خاصی، امضا نموده، لازم شد تهنیت اسلامی بگویم و دستور مقدّس نبوی را که فرموده: «صحبة عشرين سنة قرابة» پشت سر نینداخته باشم بالخصوص که صحبت ما قرب چهل سال شده، علی رغم الحاسدين و النمامين.

پس بحمدالله ادای تکلیف خود کردم و اما تکلیف شما را چنانچه تشخیص نموده‌اید که با فساق و کذابین، باید قطع علاقه نمود، صحیح است، اگر شبهه مصداقی نشده باشد و الا مقاطعه با اخوان دینی حرام است: «و لا تَقُولُوا لِمَنْ قَالِيَ الْيُكْمِ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا».

گمان می‌کنم که معاندین حقیر که با شما اظهار محبت می‌خواهند بکنند، لا حياءَ لعلى، بل بغضاً لمعاوية، عقد نامه محبت مرا مسود کرده، به صورت طلاق نامه در آورده و وسیله مفارقت کرده‌اند و آن را به نظر شریف چنین جلوه داده‌اند و الا اگر شما را به صفای باطن خود گذاشته بودند، هرگز سوء تفاهمی نمی‌شد، زیرا که شما حافظ آیات

شریفة می‌باشید و متدبر و عاقل هستید بانها: «انَاخْلَقْنَاكُمْ مِنْ نُطْفَةٍ امشاج» و «انَا اُخْرَجْنَاكُمْ مِنْ بَطُونِ امهاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَيْئًا» و به خوبی می‌دانید که در ترقیبات بشر، طفره ممکن نیست و جمیع

معلومات بشری، تدریجی و محصول می‌باشد و در معلومات اولیه هر بشری خطاها و سهوها و نسیانها هست و به اتفاق عقلا: «المنظره الاولى حقا» و به مذهب شیعه‌ها، غیر از نفوس قدسیه چهارده معصوم علیه السلام، هیچ فرد بشری از خطا و سهو و نسیان، خالی نیست و هر عالمی که در هر فن متبحر و ماهر شده، بعد از طی مراحل نادانی‌ها بوده و آثار علمی و نوشته‌جات اوایل هر کسی ناقص و در اواسط حال فی الجمله کامل و در اواخر، به سر حد کمال می‌رسد. و این سیره مستمره جمیع دانایان دنیاست از فقها و اصولیین و حکما و متکلمین و مهندسین و منجمین حتی رمالین و جغارین: نوشته‌های تدریجی آن‌ها بعضی اختلافات دارد که مهارت آن‌ها را از

همین اختلافات می‌فهمیم، چنانچه از اطرا و ثنای (کذا) هر یک از ایشان در طی تصانیف یا کلماتشان، معرفت به حال و خصوصیاتشان پیدا می‌کنیم و این ذلک کله اول قاروره، بلی آن چه بسیار اسف آور است، کسی صرف عمر عزیز در تألیف کتابی کند و آن را در دو طرف کرده، نشر دهد، مشتمل بر هزاران ورق‌ها و در هر ورقی مکرر اسم کسی را جلالت و اعتماد ببرد و این نمایان حسن نشناس، ذهن صافی او را این گونه مشوش کنند. الا الی الله المشتکی و انا لله و انا الیه راجعون.

من الفانی آقا بزرگ الطهرانی

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، نه تنها با مرحوم علامه بزرگوار آقا بزرگ تهرانی، ارتباط و دوستی خالصانه‌ای داشته، بلکه با فرزند ایشان، آقای دکتر علینقی منزوی، نیز، مکاتبه و ارتباط داشته است و اسناد باقی مانده در این مورد خود گویای گستره این ارتباط و مکاتبات فیما بین است، از جمله یازده نامه پرمحتوا ارزشمند حضرت آیت الله مرعشی نجفی، به آقای دکتر منزوی است که بر عکس نامه‌های قبلی آقا بزرگ به آیت الله مرعشی، این نامه‌ها، پاسخ‌های آیت الله مرعشی به نامه‌هایی است که دکتر منزوی به ایشان نوشته است.

دکتر علینقی منزوی، فرزند شیخ آقابزرگ تهرانی است که علاوه بر کمک‌های بی‌دریغ در تألیف و نشر کتاب‌های بزرگ الذریعه الی تصانیف الشیعه و طبقات اعلام الشیعه و سایر تألیفات پدر بزرگوارش و تصحیح و چاپ و نشر آن‌ها، خود نیز از کتابشناسان بزرگ معاصر شیعه، استاد دانشگاه، محقق و نویسنده‌ای بزرگ، و توانمند به شمار می‌رود.

این یازده نامه در فاصله سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۰ شمسی، توسط حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، نوشته شده است و محتویات این نامه‌ها شامل مباحثی به این شرح است:

۱. معرفی ناشر برای چاپ برخی از کتاب‌های آقا شیخ بزرگ تهرانی، چاپ و نشر الذریعه و چگونگی توزیع، قیمت گذاری و ارسال وجه فروش الذریعه، برای آقای دکتر منزوی.
۲. بیان اشتباهاتی که در مورد نسب نامه حضرت آیت‌الله مرعشی در مجلات است و الذریعه راه یافته و ذکر نسب نامه صحیح خود از طرف پدر و مادر.
۳. پاسخ به سؤالی از آقای دکتر منزوی در مورد چگونگی و سال تأسیس کتابخانه و موجودی آن از بدو تأسیس و شرح و بیان آن.
۴. پاسخ به پرسش‌های آقای دکتر منزوی، در مورد برخی از کتاب‌ها، مؤلفان و صحت انتساب کتاب‌ها به مؤلفان.
۵. ارسال بعضی از کتاب‌های درخواستی آقای منزوی، جهت درج در الذریعه.
۶. مسائل متفرقه‌ای چون، بیان آدرس برخی از افراد، برای آقای دکتر منزوی و جزاین‌ها.

این نامه‌ها به تصحیح نگارنده در نشریه کراته (فصلنامه کتاب، کتابخانه، کتابداری و اطلاع‌رسانی) سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۳، ص ۹۷ - ۱۰۶ به چاپ رسیده است.